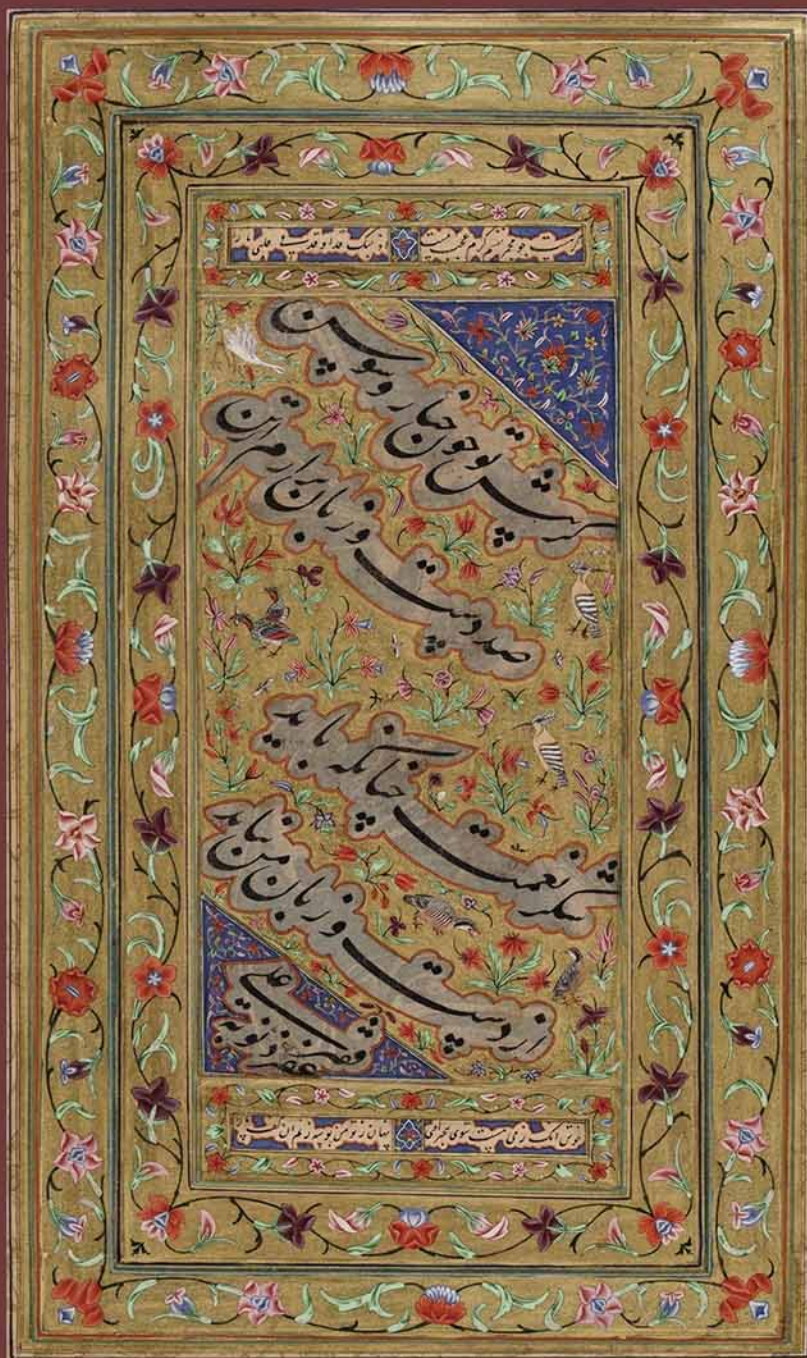


فصلنامه اطلاع رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه شناسی و ایران شناسی

دوره سوم، سال چهارم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۳۹۸ [انتشار: زمستان ۱۳۹۹]

سرسختن: دیپلماسی فرهنگی و میراث مکتوب • نظام تعریف/علی اشرف صادقی • معرفی سه منبع کهن رباعیات خیام / سید علی میرافضلی • سیدمهره و شکبه / علی صفی آققله • چند نکته و لغت از «مواهب الہی» معین الدین یزدی / احمد بهانی • توضیحاتی درباره چند تن از مملو حان موزجوری دامغانی / راضیه آبدیان • تصحیح پتی از طلیان مرغری / محسن احمدوندی • خاکم به دهان، درباره سابقه یک مثل / ویلم باخرا، ترجمه: ساسا ریوندی • نگاهی به «تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی» / مجالدین کیوانی • نقد و بررسی «دیوان ازرقی هروی» / مجالدین کیوانی • توضیحاتی درباره «بخشی از تفسیری کهن به پارسی» / مسعود فاسمی • رباعیات ختام بهروایت شیخ محمود بیروذقی / سید علی میرافضلی • «تلفظ در شعر کهن فارسی»: سرشتی بایدها و ناپیدهای پژوهش / علی شاپوران • حکایتی ساختگی از قرآنهای خطی افغانستان: نقادی بر کتاب «حکایت قرآنهای ناپیدای افغانستان» و مقاله «آغازی بر فهرست نگاری مخطوطات افغانستان» / مصوبه نظری • نگاهی به تصحیح «خلاصه الاشعار و زیده الافکار» (بخش یزد و کرمان و نواحی آن) / مرتضی موسوی • معرفی و نقد کتاب «ناصر خسرو» / حسن حیدر زاده سردرود • نقد و بررسی ترجمه «شکوئتلا» / سید احمد رضا قائم مقامی • دورنمایی از کتاب «قرآن موزخان» / زینب سادات ایلچی • نگاهی منتقدانه به مقاله «سنگ نبشهای نویافته در آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم (DNF)» / سهیل دلشاد • ریشه شناس چه می کند (۶-۱۰) / سید احمد رضا قائم مقامی • آثار نعیم مصطفی افندی / نصرالله صالحی



فهرست

سرخن

دپلماسی فرهنگی و میراث مکتوب ۵-۳

جستار

نظام تعریف / علی‌اشرف صادقی ۷-۶
معرفی سه منبع کهن رباعیات ختیم / سید علی میرافضلی ۱۳-۸
سپیدمهره و شنکجه / علی صفری آق‌قلعه ۱۷-۱۴
چند نکته و لغت از «مواهب الهی» معین‌الدین یزدی / احمد بهنامی ۲۱-۱۸
توضیحاتی درباره چند تن از ممدوحان منوچهری دامغانی / راضیه آبادیان ۲۷-۲۲
تصحیح بیت‌ی از طیتان مرغزی / محسن احمدوندی ۳۰-۲۸
خاکم به دهان، درباره سابقه یک مثل / ویلهلم باخر: ترجمه: سپاس ریوندی ۳۳-۳۱

نقد و بررسی

نگاهی به «تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی» / مجتالدین کیوانی ۴۹-۳۴
نقد و بررسی «دیوان ازرقی هروی» / مجتالدین کیوانی ۵۴-۵۰
توضیحاتی درباره «بخشی از تفسیری کهن به پارسی» / مسعود قاسمی ۶۴-۵۵
نکاتی درباره «تفسیر قرآن پاک» / مسعود قاسمی ۷۱-۶۵
رباعیات ختیم به روایت شیخ محمود پیربوداقی / سید علی میرافضلی ۷۵-۷۲
«تلفظ در شعر کهن فارسی»: سرمشق‌های پزوهش / علی‌شاپوران ۱۰۴-۷۶
حکایتی ساختگی از قرآن‌های خطی افغانستان: نقدی بر کتاب «حکایت قرآن‌های ناپیدای افغانستان»
و مقاله «آغازی بر فهرست‌نگاری مخطوطات افغانستان» / معصومه نظری ۱۰۸-۱۰۵
نگاهی به تصحیح «خلاصة الاشعار و زیدة الافکار (بخش یزد و کرمان و نواحی آن)» /
مرتضی موسوی ۱۲۵-۱۰۹
معرفی و نقد کتاب «ناصر خسرو» / حسن حیدرزاده سردرود ۱۳۶-۱۲۶
نقد و بررسی ترجمه «شکونتلا» / سید احمد رضا قائم‌مقامی ۱۴۱-۱۳۷
دورنمایی از کتاب «قرآن مورخان» / زینب سادات ابیطی ۱۴۶-۱۴۲
نگاهی منتقدانه به مقاله «سنگ‌نبشته‌ای نویافته در آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم (DNF)» /
سهیل دلشاد ۱۵۹-۱۴۷

پژوهش‌هایی در باب تحقیق

ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۶-۱۰) / سید احمد رضا قائم‌مقامی ۱۶۶-۱۶۰

ایران در متون و منابع عثمانی (۲۱)

آثار نعیم مصطفی افندی / نصر الله صالحی ۱۷۰-۱۶۷

ترجمهٔ آگوست وونشه: چنین صمیمیتی با خدای خویش؟»،
و دربارهٔ آیهٔ سی و سوم از باب نهم می‌گوید:

עפרא, לפומיה דאיוב כלום יש עבד שמוכיח את רבו

یعنی «خاکم به دهان ایوب! آیا بنده‌ای هست که سرور خویش را ملامت نماید؟». بر حسب ضبط نادرستی که آگوست وونشه اختیار کرده، رابا این تعبیر را در مورد آیهٔ اول از باب سی و یکم سفر ایوب هم به کار برده‌است. اما این ضبط به هیچ نحو با این آیه سازگار نیست، زیرا مطابق گفتهٔ همان رابا، ایوب آنجا که گفته «عهد بسته‌ام... الی آخر» حرف نابه‌جایی نزده، بلکه در واقع به پرهیزگاری خویش مباهات کرده که ابراهیم در آن گوی سبقت از وی ربوده‌است.

اینکه وونشه، به‌اتکای چاپ‌های جدید، گویندهٔ دو عبارتی را که تعبیر مد نظر ما در آنها به کار رفته رب نامیده خطاست، چرا که در نسخهٔ مونیخ و نیز نسخه‌های دیگر، ربا آمده و در چاپ و نیز رب؛ همین ضبط اخیر، از یک طرف با حذف الفک پایانی بدل به رب شده و، از طرف دیگر با از بین رفتن غلط علائم اختصاری بدل به ربه در چاپ‌های قدیم (رک. Rabinowitz, Dikduke Sofrim, XI: 75). اما در واقع این امورا ربا بوده که دوست داشته در شیوهٔ سخنوری خود تعبیرات محکم و عام‌پسند محلی را به کار ببندد (رک. نوشتهٔ نویسنده حاضر با نام آگادای امورائیم بابلی، ص ۱۲۵) و صوت یا شبه‌جملهٔ **עפרא לפומיה** «خاکم به دهان» را هم می‌توان یکی از همین اصطلاحات عام‌پسند محلی یهودیان بابل به حساب آورد. از این گذشته، به‌شهادت نسخه‌ها (رک. رابینوویچ: همانجا) این تعبیر اصلاً به‌شکل **עפרא בפומיה** آمده‌است که آن را به هیچ وجه نمی‌توان به «بر دهان» ترجمه کرد، بلکه باید گفت «به دهان»، «در دهان». مقصود از این تعبیر آن است که دهانی که سخنانی چنان ناسزاوار گفته، می‌سزد که «با مشتی خاک» پر شود. این ضبط صحیح‌تر سازگاری کاملی هم با آن تعبیر فارسی دارد که گلدزیهر به آن اشاره کرده، یعنی «خاکم به دهان»، که فارسی‌زبانان برای ادای پشیمانی از بیان سخنی کفرآمیز یا توهین‌آمیز به کار می‌برند. لذا همان تعبیری را در مورد شخص گوینده به کار می‌برند که رابا در مورد

خاکم به دهان دربارهٔ سابقهٔ یک مثل

ویلhelm باخر*

ترجمه: سپاس ریوندی

Sepas.reyvandi@gmail.com

به‌جهت قیاس با تعبیر عربی که گلدزیهر به آن پرداخته (ZDMG XLII, 587)،^۱ اجازه می‌خواهم که از تعبیر یهودی-آرامی **עפרא לפומיה** یاد کنم که در لفظ و کاربرد نظیر آن تعبیر عربی است. این اصطلاح یهودی-آرامی را رابا، آموزای^۲ شهیر بابلی قرن چهارم میلادی، به کار برده تا ایوب را به‌جهت سخنان بی‌پروا و گستاخانه‌اش شتمت کند. رابا دربارهٔ آیهٔ دوم از باب ششم سفر ایوب (Bâb Bathrâ 16b) می‌گوید:

עפרא לפומיה דאיוב חברוח כלפי שמיא

یعنی «خاکم به دهان ایوب! چنین گستاخی (یا حسب

* این مقاله ترجمه‌ای است از:

BACHER, Wilhelm (1889). "Staub in den Mund". *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 43.2: pp. 613-615.

چنانکه پیداست عنوان فرعی در اصل مقاله نیست و به‌جهت روشن‌تر شدن نام مقاله افزوده شده‌است. دوست ارجمند، آقای سپاس ریوندی، به‌خواست بنده، سید احمدرضا قائم‌مقامی، این نوشته را ترجمه فرمودند و بنده پس از اندک اصلاحاتی، خلاصهٔ یک مقالهٔ کوتاه گلدزیهر را نیز به آن افزودم. قصد از نقل این دو مقالهٔ کوتاه نشان دادن سابقهٔ یک مثل کهن فارسی بود. همینجا شاید بیجا نباشد که اشاره‌ای بکنیم دربارهٔ تقابل میان خاک و زر که در این مقاله است و به یک معنی ظاهراً میان زر و سنگ هم هست (رک. خلاصهٔ مقالهٔ گلدزیهر) و در واقع پرسشی طرح کنیم که شاید جوابش را محققان از پیش داده‌باشند: آیا ممکن است این تقابل تا حدی از رسوم درباری و صله‌های امیران به شاعران و پر کردن دهان ایشان از زر، که در ادب قدیم مشهور است، نیز بهره داشته‌باشد؟

۱. به یادداشت پایانی رجوع شود.

۲. آموزا یا آموزای (جمع آن امورائیم) عنوان طبقه‌ای از علمای یهود است.

ایوب به کار برده است.

اما آیا این تعبیر فارسی سابقه کهن تری ندارد و ممکن نیست تعبیری که رابای امورا، که خود تحت نفوذ فرهنگ ایرانی زندگی می کرده، به کار برده با آن قرابت بیشتری داشته باشد؟ اینقدر هست که هر دو معنای یکسانی دارند. تردیدی نیست که مراد از خاک در این تعبیر «خاک گور» است و از کاربرد عاپار (در لغت یعنی «خاک، گرد») در کتاب مقدس نیز برای آن مؤیدات بسیاری به دست می آید: مزامیر- بیست و دو/ ۳۰؛ سی/ ۱۰؛ اشعیا، بیست و ششم/ ۱۹؛ ایوب- هفتم/ ۲۱؛ بیستم/ ۱۱؛ بیست و یکم/ ۲۶؛ قس. پیدایش- سوم: ۱۹؛ ایوب، دهم: ۹؛ مزامیر، صد و چهارم: ۲۹ (عبارت مراثی ارمیا- سوم/ ۲۹ که گلدزیهر گفته مناسب اینجا نیست، چون در آن آیه سخن از فروتنی خاکسارانه است). مثال جالب دیگری از کاربرد عاپار از دوران بعد از کتاب مقدس را در قرن دوم میلادی و نزد یوشع بن حننیا^۳ می یابیم که می گوید:

מי יגדה עפר מעיניך רבן יוחנן בן זכאי

«آوخ کیست که او بزدايد خاک گور را از چشمان تو ای یوحنا بن زکی؟» (رساله پنج: ۲ و ۵؛ قس. مثال های بیشتر در آگادای تنائیم از نویسنده حاضر: یک/ ۱۶۶، یادداشت ۲).

مکمل تعبیر «خاک به دهن» تعبیر دیگری است که آن هم در تلمود بابلی به کار رفته است و به نحوی متناقض، همزمان هم معنای آفرین و هم معنای نفرین را متبادر می کند. عالم برجسته آگادا، ربی ییصحاق (اسحاق، از معاصران همان رابا که پیشتر ذکرش رفت) در ارتباط با سرودی که شاه نیوکدنصر (بخت النصر) ساز کرده است (دانیال، سوم/ ۳۳) می نویسد:

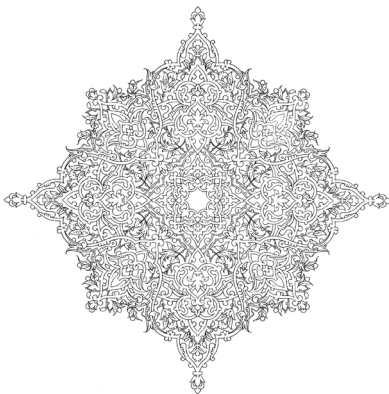
**אחרו רשעי שאילמלא בא מלואך וסתר
יוצק זהב רותח לחוך פיו של
וחושבחות שאמר דוד בספר תלים
על פיו ביקש לגנות כל שירות**

یعنی «زر مذاب در دهان آن معصیت کار ریخته باد! هرآینه اگر فرشته ای نیامده بود که به دهان او بزند و از

خواندن سرود بازش دارد، او بر آن بود که تمام سرودها و مزامیر داود را به تاریکی بکشاند» (سهندین، ۹۲ ب). پیوند میان دو تعبیر «خاک به دهان» و «زر به دهان» را نباید سرسری گرفت. اصطلاح دوم، همانطور که اسحاق به سبک موجز خود می گوید، نوعی ذم است در لباس مدح **(לישנא מויליא רלשון קללה)** که در آن از شاه کافر به خاطر نیایشی که آغاز کرده ستایش می شود و البته همزمان نفرینی هم نثارش می گردد (همانطور که در سطور قبل در مورد عبارت «خاکت به دهان» در خطاب به ایوب دیدیم)، طبعاً به این علت که «شخصی چنان نابکار، یعنی شاه بابل (بخت النصر)، را چه رسد که در کار ستایش خداوند چنان تحدی آشکاری با مزامیر داود کند؟». خاک و زر در امثال متضاد یکدیگرند و شاهدهی بر این معنی در قاموس عبری جدید لوی هم مذکور است، از اسماعیل بن یوشع (انتهای قرن دوم میلادی) که می گوید:

שבין זהב לעפר כך בין דורנו לדורו של אבא כשם

«میان عصر ما و پدران ما تفاوتی است مثل تفاوت میان خاک و زر» (تلمود اورشلیمی، رساله ۴۸ ب، پایان فصل ششم). زر مذکور در این تعبیر زر مذاب است، چون در غیر این صورت نمی توان آن را به دهان کسی پاشید. خاطرنشان می کنم که در دستنویس مونیخ، تعبیر «زر در دهان» نه به شکل **לחוך פיו** بلکه به شکل **על פיו** آمده است و ضبط دیگر آن، مطابق آنچه رابینوویچ آورده، چنین است: **על פניו**. مورد اخیر را می توان معادلی گرفت برای تعبیر «خاک به رویت» که گلدزیهر در صفحه ۵۸۸ مقاله خود به آن اشاره کرده، در خطاب به مداحان ناصالح.



۳. متوفی به سال ۱۳۱ م، یکی از مهم ترین تنائیم (طیقه ای از علمای یهود، لفظاً یعنی معلمان) در نیم قرن بعد از ویرانی هیکل سلیمان در سال ۷۱ م.

«بفیک الحجر» گونه‌های دیگری هم دارد، مانند «بفیک الاثلب» به همان معنی.

۳. «خاکم به دهن» فارسی نیز گونه‌ای از همین تعبیر است و وقتی به کار می‌رود که گوینده بخواهد تأسف خود را از کارهایی مانند کفرگویی یا بر زبان راندن سخنی ناسزا بیان کند. بیتی از زبان مجنون بنی‌عمر در لفظ شبیه است به «خاکم به دهان» فارسی:

کَلَانَا يَا اَخِي يَحِبُّ لَيْلِي
بِفَيِّ وَ فَيْكٍ مِنْ لَيْلِي التَّرَابِ
گلدزیه‌ر این تعبیر را با عبارتی عبری در مراثی ارمیا (۳/۲۹) مقایسه کرده است که:

خوب است که انسان امیدوار باشد و با سکوت انتظار نجات خداوند را بکشد... دهان خود را بر خاک بگذارد که شاید امید باشد. (نقل از ترجمه قدیم کتاب مقدس)

یادداشت

این نوشته کوتاه ویلهلم باخر در تکمیل یک نوشته کوتاه ایگناتس گلدزیه‌ر نوشته شده به نام «تراب و حجر در مثل‌هایی که برای نکوهش به کار می‌روند»^۴ در مجله انجمن شرقشناسی آلمان، به نشانی‌ای که در متن مقاله باخر آمده است. برای روشن‌تر شدن مطلب، خلاصه مقاله گلدزیه‌ر نقل می‌شود:

۱. کلمه تراب در بعضی عبارات و امثالی که قصد از آنها بازداشتن کسی از کاری یا سخنی نامناسب است به کار می‌رود، مانند این شعر جریر:

اِذَا الشَّيْخُ تَعَرَّضُوا الْمَوَدَّةَ
قَلَنْ التَّرَابِ لِكُلِّ شَيْخٍ اَدْرَا

چون پیران قصد عشق کنند، زنان می‌گویند خاک بر هر پیربی‌دندان.

مطیع بن ایاس وقتی در یک مجلس شادمانی از دختری خواسته بوده که او را بوسه‌ای دهد، دختر به لفظ تراب امتناع کرده است:

فَاِذَا قُلْتُ اُنِلْنِي
قُبْلَةً قَالَتْ تَرَابَا

ابوالعلاء معری در بیان جست‌وجو در پی چیزی که نشدنی است یا امیدی به آن نیست گفته:

تَمَنَّتْ فَوْقًا وَ الصَّرَاةَ حِيَالَهَا
تَرَابًا لَهَا مِنْ اُنْيُوقٍ وَ جَمَالِ

شتران خواهان فوق (نهری در حلب) اند، حال آنکه صرّاة (نهری در بغداد) پیش آنان است. خاک بر آنها، از ناقه و جمل.

گلدزیه‌ر حدیث منسوب به پیامبر را نیز که «أَحْثُوا فِي وَجْهِ الْمَدَاحِينَ التَّرَابِ» در همین دسته قرار داده است.

۲. شبیه به این تعبیر تعابیری است که به جای تراب، حجر دارند، مثلاً «بفیک الحجر» («سنگت به دهان») که مخصوصاً زمانی به کار می‌رود که از چیز بدشگونی سخن بگویند.

4. "Turâb u. Ḥağar in zurechtweisenden Redensarten".

گلدزیه‌ر

Table of Contents

Editorial

Cultural diplomacy and the written heritage	3-5
---	-----

Articles

Nizām-i Ta'rifā / Ali Ashraf SADEGHI.....	6-7
An introduction of three old sources of the <i>Rubā'īyyāt</i> of Khayyām / Seyyed Ali MIRAFZALI	8-13
<i>Sipīd-Muhra</i> and <i>Shankha</i> / Ali SAFARI AQ-QALEH	14-17
A few points and some words considering <i>Mawāhib-i Ilāhī</i> of Mu'tin ul-Dīn-i Yazdī / Ahmad BEHNAMI	18-21
Some remarks on several of Manūchihirī-yi Dāmghānī's patrons / Raziye ABADIYAN.....	22-27
Editing a couplet of Ṭayyān-i Marghẓī / Mohsen AHMADVANDI.....	28-30
Dust in my Mouth (I should not speak in such a manner): on the origin of an idiom / Wilhelm BACHER; Translated by Sepas RIVANDI	31-33

Reviews and Critiques

A look into <i>Persian Literary Influence on English Literature</i> / Majdoddin KEYVANI	34-49
A review of <i>Dīvān of Azraqī-ye Heravī</i> / Majdoddin KEYVANI	50-54
Some remarks on <i>A Fragment of an Old Exegesis in Persian</i> / Masoud QASEMI	55-64
Some remarks on <i>An Interpretation of the Holy Qur'ān</i> / Masoud QASEMI	65-71
Shaykh Mahmūd-i Pīr-Budāqī's narration of the <i>Rubā'īyyāt</i> of Khayyām / Seyyed Ali MIRAFZALI	72-75
<i>Pronunciation in Classical Persian Poetry</i> : an exemplar for what should and should not be done in research / Ali SHAPOURAN	76-104
An apocryphal story about Quran manuscripts in Afghanistan: a review of <i>The Story of Invisible Qurans of Afghanistan</i> , and "A Beginning of Cataloguing Manuscripts in Afghanistan" / Masoume NAZARI	105-108
A look into the edition of <i>Khulāṣat al-'Ash'ār va Zubdat al-'Afkār (Yazd, Kerman and its suburbs)</i> / Mortaza MOUSAVI	109-125
An introduction and a review of <i>Nāṣir Khusraw</i> / Hassan HEYDARZADEH SARDORUD	126-136
A review of the Persian translation of <i>Shakuntala</i> / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI	137-141
A bird's-eye view of <i>Le Quran des Historians</i> / Zeynab Sadat ABTAHI	142-146
A critical look into "A Newly-Found Inscription at the tomb of Darius-the-great in Naqsh-e Rostam (DNf)" / Soheil DELSHAD	147-159

Essays on Research

What does an etymologist do? (6-10) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI.....	160-166
--	---------

Iran in Ottoman Texts and Sources (20)

Works of Na'imā Muṣṭafā Efendī / Nasrollah SALEHI	167-170
---	---------



Gozarsh-e Miras

**Quarterly Journal of Textual Criticism,
Codicology and Iranology**

**Third Series, vol. 4, no. 1 - 2, Spring - Summer 2019
[Pub. Winter 2021]**

Properietor:

The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

Managing Director & Editor-in-Chief:

Akbar Irani

Assistant Editor:

Masoud Rastipour

Managing Editor:

Younes Taslimi-Pak

Cover:

Mahmood Khani

Print:

Miras

**No. 1182, Enghelab Ave.,
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,
Tehran, Iran**

Postal Code: 1315693519

Tel: 66490612, **Fax:** 66406258

Website: www.mirasmaktoob.ir

E-mail: gozarsh@mirasmaktoob.ir